

## تجرباتی از جنبش کارگری در کشور مصر

نادر احمدی

کشور مصر مهمترین کشور عرب و رهبر اتحادیه کشورهای عرب می باشد. حسنی مبارک رهبر کنونی مصر از ۱۴ اکتبر سال ۱۹۸۱ که انور سادات رئیس جمهور آن وقت مصر توسط خالد اسلامبولی به قتل رسید، رهبر بلامنازع مصر است و در ۵ دوره پی در پی به ریاست جمهوری مصر رسیده است. دولت مصر در میان لیست دولتهای جهان که از آمریکا کمک مالی سالانه دریافت می کنند بعد از اسرائیل بیشترین مبلغ کمک مالی و نظامی را دریافت می کند.

در ماههای اخیر کشور مصر شاهد قویترین و گسترده ترین اعتراضات کارگری بوده است که از زمان جنگ دوم جهانی تا کنون بی سابقه می باشد. روزنامه مصری المصر الیوم نوشت که در سال ۲۰۰۶ بیش از ۲۲۲ مورد اعتصاب، توقف کار، اعتصاب غذا و تظاهرات کارگری به وقوع پیوسته است و اکنون تقریباً هر روز در یک نقطه از مصر یک اعتراض کارگری به وقوع می پیوندد. گروه **The citizen group Egyptian Workers and Trade Union Watch** - ۵۶ اعتراض در ماه آوریل و ۲۵ اعتراض دیگر را در ماه می امسال ثبت کرده است و این اعتراضات از صنایع پارچه بافی آغاز و به بخشهای دیگر صنعت مثل کارگران تولید کننده مصالح ساختمانی، کارگران مترو، کارگران شهرداری، کارگران نانوايي، کارگران تولید مواد غذایی و دیگرکارگران سرایت کرده و این اعتراضات نیز مثل تمام دیگر اعتراضات ۴۰ سال اخیر توسط اتحادیه کارگری مورد حمایت دولت یعنی **General Federatio of Trade Unions** و دیگر تشکلات مشابه در کارخانه ها، غیر قانونی اعلام شده اند ولی اینبار بر خلاف طغیانهای گروهی کارگران در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ که به کارخانجات دولتی محدود بودند این اعتراضات، کارگران شاغل در بخش خصوصی را نیز در بر گرفته است. به محض شروع اولین اعتراضات کارگری، شناخته شده ترین طرفداران دمکراسی و در میان آنها چپگراها، سکولاریستهای ملی‌گرا و گاهی طرفداران اخوان المسلمین نیز در میان کارگران دیده می‌شدند. حکومت مصر بعد از ۳ سال تلاش مداوم برای کنترل جنبشهای خواهان دمکراسی، اکنون به یک ضد حمله علیه جنبش کارگری دست زده است و این ضد حمله زمانی اتفاق افتاده است که کارگران توجه خود را از دستمزد، سود و شرایط بهتر در محل کار، به وابستگی سیاسی خود به دولت از طریق اتحادیه‌های کارگری دست نشانده دولت متمرکز کرده اند.

### ● کارگران و اخوان المسلمین

در انتخابات پارلمانی مصر در سال ۲۰۰۵ اخوان المسلمین ۸۸ کرسی پارلمان را از آن خود کرد و جنبش کفایا که خواهان پایان دادن به حکومت حسنی مبارک است با راه اندازی تظاهرات گسترده فضای خفقان طولانی حاکم بر مصر را شکست.

در بین اعتراضات مداوم کارگری در ماه آپریل، ۲۴۸ نفر از کارگران کارخانه تولید لباس **Mansura-Spain** که ۷۵ درصد از آنان زن هستند چندین بار به عنوان اعتراض دست از کار کشیدند. این کارگران معترض نگران بودند که با فروش این کارخانه به بانک خصوصی **Al-Masraf al-Muttahid** صاحب جدید، دستمزدهای تعویقی و سود سهام کارگران را که از سال ۱۹۹۵ به تعویق افتاده است نپردازد. بزرگترین اعتصاب کارگران بخش خصوصی در کارخانه نخ بافی **Arab Polvara** در شهر اسکندریه در ۲۴ مارس و بار دیگر در ۲ آوریل با شرکت نیمی از ۱۲۰۰۰ نفر کارگر

شاغل در این کارخانه در اعتراض به تبعیض بین کارگران و مدیران کارخانه در مورد سهام دریافتی و عدم پرداخت سود سهام کارگران به هنگام فروش کارخانه، به وقوع پیوست. آخرین بار در سال ۱۹۹۷ کارگران از بابت سود سهام خود فقط ۱۰,۴۵ \$ دریافت کردند.

دولت مصر اخوان المسلمین را متهم کرده که اعتصابات کارگران کارخانه Arab Polvara را برانگیخته است اما هیچ مدرکی وجود ندارد که دخالت اخوان المسلمین را در هیچیک از اعتراضات کارگری در سال گذشته را اثبات کند. در واقع اخوان المسلمین هیچگاه نفوذی زیادی در بین کارگران بخش صنعت نداشته و حتی آنها در زمان وقوع اعتصابات کارگری به دولت کمک کرده اند. در حالیکه بعضی از اعضای اخوان المسلمین اعتراضات گسترده کارگران را تشویق می‌کنند اما بین کادر رهبری این تشکیلات که در تسلط سرمایه داران با نفوذ است و اعضای این تشکیلات که به طبقات میانی و فقیر تعلق دارند اختلاف نظر وجود دارد. در حالیکه جریان اخوان المسلمین عموماً محافظه کار است اما اخوان المسلمین شعبه شهر الکساندریه رادیکالتر است و بیشتر از بخشهای دیگر اخوان المسلمین دولت مصر را به مبارزه می طلبد.

#### ● ضرورت تشکیل فدراسیون اتحادیه های کارگری مستقل

اولین ایده های تشکیل اتحادیه کارگری مستقل در جریان اعتصابات کارگران کارخانه های تولید آرد در شهرهای واقع در جلگه نیل شکل گرفت. در دسامبر ۲۰۰۶ کمیته محلی اتحادیه کارگران در کارخانه های نخ بافی و پارچه بافی Mahalla al-Kubra از اطاعت دستورات مسئولان مرکزی اتحادیه خودداری کردند و تولید در کارخانه را متوقف ساختند که این حرکت آنها به موفقیت بی نظیری منجر شد. کارگران اعتصابی و ناراضی در کارخانه Mahalla al-Kubra خواستار برکناری کمیته مرکزی فدراسیون اتحادیه های کارگری در قاهره که دست نشانده دولت بود شدند و وقتی درخواست آنان رد شد کارگران کارخانه های Shibin al-Kum و Kafr al-Dawwar. نیز از خواست کارگران کارخانه Mahalla al-Kubra حمایت کردند. ایده تشکیل یک فدراسیون اتحادیه های کرگری که مستقل باشد و تحت کنترل دولت مرکزی مصر نباشد در واقع مورد حمایت تمامی تشکلهای سیاسی مخالف دولت مصر قرار دارد. کارگران کارخانه های نامبرده علیرغم مخالفت رهبران اتحادیه دست نشانده دولت ضمن پافشاری بر خواسته های خود به مبارزه ادامه دادند. سرانجام در نتیجه مبارزات متحد ۲۴۰۰۰ نفر از کارگران مبارز کارخانه های نخ بافی و پارچه بافی، در ماه مارس ۲۰۰۶ احمد نزیف نخست وزیر مصر مبلغ پاداش سالانه کارگران را از ۱۷ \$ در سال به مبلغی معادل ۲ ماه حقوق برای تمام کارگران شاغل در بخش صنعتی- دولتی افزایش داد اما بعداً کارگران فهمیدند که مبلغ واقعی پیشنهادی چیزی حدود ۸۹ پاوند است که در نتیجه این حقه از طرف دولت روحیه مبارزاتی کارگران تشدید شد و برای مدت چند روز کارگران حتی از دریافت حقوق خود خودداری کردند. تا اینکه در ۷ دسامبر هزاران تن از کارگران شیفت صبح کارخانه در میدان Mahalla's Tal'at Harb در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند و ۳۰۰۰ نفر از کارگران زن بخش لباس دوزی، به طرف کارخانه های نخ بافی و پارچه بافی که در آنجا بخشی از کارگران مرد هنوز به اعتصاب نپیوسته بودند راه افتادند و ضمن هجوم به محل کار آنان شعار می دادند: زن ها در حال مبارزه هستند پس مردها کجا هستند؟ در این میان پلیس ضد شورش نیز به محل اعزام شده بود اما به آنها گفته شده بود دخالت نکنند. در حالیکه شب شده بود کارگران مرد تلاش کردند تا همکاران زن خود را به خانه و نزد خانواده خود بفرستند تا روز بعد باز گردند اما زنها از مردها رادیکالتر بودند و با وجود تهدید و ارباب از طرف پلیس آنها می خواستند که شب را در محل اعتصاب بمانند. صبح روز بعد در حالیکه پلیس میخواست به درون کارخانه حمله کند کارگران متحصن به همه دوستان کارگر و غیر کارگر خود تلفن زدند و از آنها

خواستند تا خود را به محل کارخانه برسانند و بدین ترتیب بیش از ۲۰۰۰۰ نفر در محل کارخانه جمع شدند تا اینکه بعد از ۴ روزمبارزه بی امان سرانجام دولت رسماً قبول کرد که معادل ۴۵ روز در سال به کارگران پاداش بدهد و از خصوصی کردن این کارخانه‌ها خود داری کند که با این موفقیت کارگران، فدراسیون اتحادیه های به اصطلاح کارگری دست نشانده دولت روسیاه شد.

از زمان تصویب مکمل قانون کار در سال ۲۰۰۳ کارگران مصری در صورت تأیید رهبری عمومی فدراسیون اتحادیه های کارگری مصر، مجازند اعتصاب کنند!! و از آنجا که چنگال حزب حاکم NDP (حزب دمکراتیک ملی!!) گوی این فدراسیون به اصطلاح کارگری را می فشارد عملاً از سال ۲۰۰۳ تا کنون، تمام اعتصابات کارگری غیر قانونی اعلام شده اند.

### ● فروش کارخانجات به بخش خصوصی

در فاصله ۱۲ مایلی شمال قاهره ۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه نخ ریسی Qalyub که به کارخانجات گروه ESCO تعلق دارد برای مدت چندین روز در اعتراض به تصمیم دولت برای فروش این کارخانه به بخش خصوصی دست به یک اعتصاب تشسته زده بودند زیرا این کارگران نگران بودند که بخش خصوصی حقوق و مزایای آنها را که در نتیجه سالها مبارزه بدست آورده بودند پایمال کند. در واقع مجموعه بزرگ کارخانجات ESCO در سال ۱۹۶۰ ملی شده بود. اعتصابات اخیر زمانی شروع شد که دولت و کارفرماها که در اثر فشارهای یک اعتصاب ۱۰ روزه در اکتبر ۲۰۰۴ تحقق یک بازنشستگی خوب و زودرس را به کارگران قول داده بودند اما زیر قول خود زدند و به قول خود وفا نکردند. دولت مصر در نتیجه سیاست دیکته شده توسط دولت آمریکا، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول از سال ۱۹۹۳ تا سال ۱۹۹۹ رضایت خود را از سیاستهای مدیریت اقتصادی دولت مصر اعلام کرد.

معمولاً اولین مرحله از اجرای سیاست خصوصی سازی، کاهش تعداد کارگران شاغل و افزایش شدت کار و استثمار است تا بتوان با تعداد هر چه کمتری از نیروی کار حجم بیشتری از کار را انجام داد و سود بیشتری بدست آورد برای مثال تعداد کارگران شاغل در ۶ کارخانه مجموعه کارخانجات ESCO که تعدادشان در سال ۱۹۸۰ ، ۲۴۰۰۰ نفر بود این تعداد را در سال ۱۹۸۷ به ۳۵۰۰ نفر کاهش دادند که بدین ترتیب اکنون ۳۵۰۰ نفر کارگر، کار ۲۴۰۰۰ نفر را انجام می دادند.

سیاست خصوصی سازی در صنایع گسترده پارچه بافی مصر زمانی ضرورت بیشتری پیدا کرد که کارخانجات مصری نتوانستند با محصولات ارزان تولیدی چین و دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی رقابت کنند و دچار بحران شدند. بدین ترتیب گلوبالیزیشن سرمایه در حالیکه مثلاً در چین و هند ظاهراً تولید شغل می کند و با پرداخت دستمزد بخور و نمیر کارگران آنجا را غارت میکند اما در کشور دیگری مثل مصر مشاغل تعداد زیادی از کارگران را از آنان می گیرد و آنان را به خاک سیاه مینشانند. در شرایط کنونی گلوبالیزیشن سرمایه حکم می کند که در جهت افزایش سود، شرکتها و مؤسسات سرمایه داری حتی در کشورهای غربی تعداد کارگران و پرسنل خود را به حداقل نفرات کاهش دهند که در نتیجه اجرای این سیاست هر روز تعداد زیادی بیکار می شوند و ارائه خدمات به مشتریان حذف می شود و فشار کار بر کارگران و کارمندان افزایش می یابد.